

# تاریخ یہود اسرائیل یہود

سابقہ سہ ہزار سالہ

اسرائیل شاہاک

رضا آستانہ پرست

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

سلسله انتشارات  
نشر قطرہ-۲۲۳

علوم اجتماعی-۲۲



نشر قطرہ



# تاریخ یهود، آیین یهود

(سابقہ سہ ہزار سالہ)

اسرائیل شاہاک

ترجمہ

رضا آستانہ پرست

برگه فهرست‌نویسی پیش از انتشار

Shahak, Israel

شاهاک، اسرائیل

تاریخ یهود، آیین یهود (سابقه سه هزار ساله) / اسرائیل شاهاک،  
ترجمه رضا آستانه پرست، - تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸.

۲۲۲ ص. - (سلسله انتشارات نشر قطره ۱۳۷۳: علوم اجتماعی ۱) (۲۲  
کتابنامه: ۱۹۹-۲۲۲).

۱. اسرائیل - سیاست و حکومت. ۲. یهودیت ارتدکس. ۳. اسرائیل  
- آثار بحث‌انگیز. ۴. صهیونیسم - آثار بحث‌انگیز. ۴. اعراب فلسطین -  
اسرائیل. الف. آستانه پرست، رضا، مترجم. ب.

صنوان. ج. عنوان: آیین یهود.

ت ۲ ش / ۱۰۲ / ۹۵ / BS ۹۵/۹۳



نشر قطره

تاریخ یهود، آیین یهود

اسرائیل شاهاک

ترجمه رضا آستانه پرست

چاپ اول: ۱۳۷۸

طرح روی جلد: پری‌ناز شجره

چاپ: سارنگ

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

بها: ۱۱۰۰ تومان

حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

شابک: ۱-۰۶۲-۲۲۱-۹۶۲ ISBN: 964-341-064-1

نشر قطره

خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۹، طبقه همکف

۶۴۶۰۵۹۷ - ۶۴۶۶۳۹۴

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

Printed in The Islamic Republic of Iran

## تقدیر و سپاس

از جناب آقای دکتر سعید رجایی خراسانی به خاطر مشورتهای سودمندی که در ترجمه این کتاب با ایشان داشتم، و از همکاری صمیمانه جناب آقای محمد پیروی در ویراستاری نهایی متن و بالاخص از راهنماییهای مشفقانه و ارزشمند جناب آقای دکتر سعید حمیدیان در معرفی جناب آقای مهندس فیاضی مدیر محترم انتشارات قطره، و همکاریهای ایشان تا مراحل پایانی چاپ کتاب، قدردانی و تشکر می‌نمایم.

مترجم





## فهرست

۹	مقدمه مترجم.....
۱۵	پیشگفتار (گور ویدال).....
۱۹	فصل اول: مدینه فاضله بسته؟.....
۲۱	تعریف دولت یهود.....
۲۸	ایدئولوژی سرزمین بازخرد شده.....
۳۱	توسعه طلبی اسرائیل.....
۳۷	یک مدینه فاضله بسته؟.....
۴۱	فصل دوم: غرض ورزی و زبان بازی.....
۴۷	آزادسازی از خارج.....
۵۰	موانع تفاهم.....
۵۲	یک تاریخ استبدادی.....
۵۵	راهکارهای دفاعی.....
۵۹	فریب ادامه دارد.....
۷۱	فصل سوم: تعصب و تفسیر.....
۷۷	تفسیر کتاب مقدس.....
۸۲	ساختار تلمود.....
۸۸	کلاه شرعیها.....

۹۸	ابعاد اجتماعی کلاه شرعی
۱۰۳	فصل چهارم: سابقه تاریخ
۱۰۷	مشخصات عمده یهودیت کلاسیک
۱۱۴	انگلستان، فرانسه و ایتالیا
۱۱۶	دنیای اسلام
۱۲۰	اسپانیای مسیحی
۱۲۳	لهستان
۱۲۸	شکنجه یهودیان
۱۳۲	یهودستیزی نوین
۱۳۷	واکنش صهیونیستی
۱۴۲	مقابله با گذشته
۱۴۷	فصل پنجم: قوانین ضد غیریهودیان
۱۴۸	قتل و کشتار
۱۵۵	نجات از مرگ
۱۵۸	هتک حرمت شنبه به خاطر حفظ جان
۱۶۸	جرایم جنسی
۱۶۹	موقعیت اجتماعی
۱۷۱	پول و دارایی
۱۷۳	غیریهودیان در سرزمین اسرائیل
۱۷۶	بدرفتاری
۱۸۵	نگرش به مسیحیت و اسلام
۱۸۹	فصل ششم: تبعات سیاسی
۱۹۹	یادداشتها و ارجاعات

## مقدمه مترجم

«ما احساس می‌کردیم که به خود وا گذاشته شدن از سوی خدا به مراتب سخت‌تر از تنبیه به وسیله اوست... عدم اعتنای خداوند برای ما بسیار سخت‌تر از این است که قربانی خشم او شویم. بشر می‌تواند دور از خدا زندگی کند اما خارج از حیطه قدرت او هرگز. خدا در همه جا و همه وقت با ما است، حتی در زمان رنج کشیدن... بی تفاوتی نسبت به آن رنج کشیدن‌هاست که انسان را به یک موجود ضد بشر تبدیل می‌کند... در سیاه‌ترین دوران و در اعماق گتوها و اردوگاه‌های مرگ، ما احساس فراموش شدن داشتیم، همه ما...»<sup>۱</sup>

وایزل چه می‌خواهد بگوید؟ و هدف او از طرح رنج‌های ملت یهود چیست؟ شاهاک در این کتاب سعی دارد به این سؤال و بسیاری از سؤالات دیگری که پیرامون عملکرد یهودیان در جوامع یهودی‌های خارج از اسرائیل و در خود اسرائیل مطرح است، پاسخ گوید.

اواخر سال گذشته میلادی، گزارش یک موضوع پیش‌پاافتاده توسط

---

۱. بخشی از سخنان الی وایزل Elie Wiesel نویسنده یهودی آمریکایی متولد ۱۹۲۸ در رومانی و استاد فلسفه دانشگاه، (رئیس بنیاد خیریه وایزل، عضو هیأت مدیره صندوق هالوکاست و عضو سرویس جهانی یهود) در جلسه مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۹۹ کاخ سفید که با حضور کلینتون رئیس جمهور آمریکا و چند تن از اعضای کنگره تحت عنوان «بی تفاوتی، درسهایی از قرن تجاوز» برگزار شد.

یک خبرنگار انگلیسی<sup>۱</sup> در یکی از مجلات آمریکا مبنی بر اینکه «گردانندگان صنعت سینمای هالیوود تقریباً همگی یهودی هستند.» آنچه‌ان یهودیان را برآشفت که وی را «Hater»<sup>۲</sup> خطاب کردند و واقعیتی را که او بیان کرده بود انکار نمودند. چندی بعد «مارلون براندو»<sup>۳</sup> هنرپیشه و کارگردان مشهور سینمای آمریکا نیز که به همین واقعیت اشاره کرده بود، مورد انتقاد شدید واقع شد و «ضد یهود» لقب گرفت.

انتشار کتاب «تاریخ یهود، آیین یهود» نوشته «اسرائیل شاهاک»<sup>۴</sup> برای اولین بار در سال ۱۹۹۴، در شرایطی که یهودیان این گونه در برابر انتساب جزئی‌ترین واقعیات به خود، حساسیت نشان می‌دادند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت بیشتر از آن جهت است که کتاب حاضر توسط یک یهودی برجسته و مطلع و یک نفر به اصطلاح «خودی» به طور مستند در مورد عقاید و رفتار همکیشان یهودیش نوشته شده است.

اسرائیل شاهاک در سال ۱۹۳۳ در ورشو متولد شد. بخشی از دوران کودکی اش را در اردوگاه اسرای جنگی «بلسن»<sup>۵</sup> گذراند. در سال ۱۹۴۵ به فلسطین مهاجرت کرد. ایام جوانی و دوران خدمت سربازی را در اسرائیل سپری کرد و سپس به ادامه تحصیل پرداخت و کرسی استادی دانشگاه «هبرو»<sup>۶</sup> اورشلیم را به خود اختصاص داد. زبان عبری را به خوبی فراگرفت و با حال و هوای اخلاقی خاص جامعه یهود کاملاً آشنا شد. موضع‌گیریهای شاهاک به طرفداری از فلسطینیان و انتقاد از رفتار اسرائیلیها با آنان، مشهور است. وی در مدت سی سال دفاع از حقوق بشر به کرات از فلسطینیها به عنوان قربانیان آپارتاید یاد کرده است. او یهودیانی

۱. William Cash خبرنگار دیلی تلگراف در لوس آنجلس.

۲. Hater یا self-Hatred لقبی است که یهودیان به همکیشان غیر متعصب خود می‌دهند، به معنای کسی که از خود و کیش خود متنفر است. - مترجم.

3. Marlon Brando

4. Israel Shahak

5. Belsen یا Belson.

6. Hebrew University

را که حقوق و انسانیت فلسطینیان را نادیده می‌گیرند، «یهودی نازیست» می‌نامد.

پروفسور شاهاک در حال حاضر رئیس اتحادیه حقوق بشر اسرائیل است. از وی کتابها و مقالات زیادی منتشر شده که از میان آنها «تنفر یهود نسبت به مسیحیت»<sup>۲</sup> و «ایدئولوژی نهفته در ورای کشتار الخلیل»<sup>۳</sup> در سالهای اخیر به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده است. این نویسنده در حال تألیف کتاب «بنیادگرایی یهود و تأثیر عمیق آن بر سیاستهای اسرائیل»<sup>۴</sup> است.

«گورویدال»<sup>۵</sup> نویسنده شهیر آمریکایی در مقدمه کتاب حاضر، شاهاک را یک محقق یهودی معرفی می‌کند که در کوران حوادث زندگی پرفراز و نشیب خود همچنان یک انسانگرا باقی مانده و در حد توان در مخالفت با استبداد یهود که تحت عنوان دین بر پیروان آن تحمیل شده و می‌شود، کوشیده است.

شاهاک در سرتاسر این کتاب با صداقت و تهوری مثال‌زدنی تلاش می‌کند تا اهمیت عامل «ایدئولوژی یهود» را در تصمیمات متخذه از سوی سیاستگذاران اسرائیل تشریح نماید. به اعتقاد وی تأثیر سایر عوامل بر سیاستهای اسرائیل در مقایسه با عامل ایدئولوژی بسیار اندک است. نویسنده در این کتاب آشکارا این نظر خود را ابراز می‌کند که آزاد

---

1. Israeli Human Rights league

2. *Jewish Hatred toward Christianity*

3. *Ideology behind the Hebron Massacre*

4. *The Jewish fundamentalism and its Profound Impact on Israeli Politics.*

۵. Gore Vidal متولد ۱۹۲۵ آمریکا، فارغ‌التحصیل آکادمی علوم فیلیپ، کاندیدای دموکرات کنگره آمریکا از نیویورک در سال ۱۹۶۰، عضو شورای مشورتی رئیس جمهور کندی در سالهای ۱۹۶۱-۶۳ و نویسنده کتابها و مقالات، سفرنامه، فیلمنامه و داستانهای کوتاه اجتماعی و سیاسی.

ساختن یهودیان از قید خرافات انسان‌گريزانه و به‌ويژه خلاصی سياستهای اسرئیل از تأثيرات دست و پاگیر و اختناق‌آور «يهوديت» احتياج به نوعی جراحی دارد. وی به‌وضوح و به‌طور مفصل شرح می‌دهد که چگونه مذهب یهود و نص تورات دستخوش تحریفهای ناشی از مصلحت‌اندیشیهای سیاسی و منفعت‌طلبیهای شخصی رهبانان شده است.

افشاگریهای نویسنده در نشان دادن زوایای آنچه که وی آن را «ایدئولوژی یهود» نامیده و آن را تجربه کرده است، آنچنان روشن است که مترجم را از هر گونه توضیح در این خصوص بی‌نیاز می‌سازد.

شاهاک در نگاه به مسائل اجتماعی جامعه یهود و آسیب‌شناسی دینی، بسیار صریح است و هیچ‌گونه ملاحظه‌ای را ضروری نمی‌بیند:

«هر کس در اسرئیل زندگی کرده باشد به‌خوبی می‌داند که نگرش تنفرآمیز و ظالمانه نسبت به غیر یهودیان، در میان یهودیان اسرئیل تا چه حد عمیق و گسترده است. این نوع نگرش طبعاً از دیگران، (خارج از اسرئیل) پنهان نگه داشته شده است.»

در سرتاسر این کتاب، خواننده به‌خوبی مشاهده می‌کند که شاهاک بدون جهت‌گیری خاص سیاسی و یا حتی تعصب علمی نظریاتش را صرفاً از منظر یک اندیشمند و صاحب‌نظر مجرب و متخصص بیان می‌کند و به همین دلیل در میان معدود آثاری که در این زمینه توسط دیگران منتشر شده از گیرایی و اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

مترجم نیز قصد انتشار یک کتاب سیاسی، در شرایط ملتهب کنونی خاورمیانه، را ندارد بلکه بر آن است تا کتابی را که توسط یک محقق یهودی درباره تاریخ و مذهب یهود، این شریعت آسمانی، نوشته شده به‌عنوان یک ابزار تحقیق در اختیار دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های تاریخ و دین‌شناسی قرار دهد. از سوی دیگر، از آنجا که اطلاعات موجود در جامعه ما حتی در محافل علمی و فرهنگی، پیرامون «يهوديت» اکثراً

متأثر از رنگ و باورهای سیاسی است، جای خالی ترجمه و انتشار آثاری غیر سیاسی و متکی بر منابع اولیه در این خصوص کاملاً محسوس است. این کتاب در شش فصل تنظیم شده است. توضیحات خارج از متن نویسنده که با اعداد (انگلیسی) مشخص شده‌اند، در پایان و در فصل یادداشت‌ها و ارجاعات آمده و خواننده محترم می‌تواند عنداللزوم و به‌منظور کسب اطلاعات بیشتر پیرامون موضوع، به آنها مراجعه نماید. اعداد فارسی روی کلمات و عبارات متن، به توضیحات مترجم اختصاص دارد و در پایین هر صفحه آمده است. این توضیحات شامل معادل انگلیسی کلمات و عبارات و نیز اطلاعاتی دربارهٔ اماکن، اشخاص و مکاتب مختلف است.

رضا آستانه پرست

تهران، بهار سال ۱۳۷۸





## پیشگفتار

یک روز در اواخر دهه ۱۹۵۰، جان اف. کندی<sup>۱</sup> چهره محبوب و گاه تاریخ‌نگار دنیا برایم از هری. اس. ترومن<sup>۲</sup> گفت که چگونه در سال ۱۹۴۸، زمانی که برای رئیس‌جمهور شدن تلاش می‌کرد، تنها مانده بود و همه رهایش کرده بودند تا آنکه یک صهیونیست آمریکایی دو میلیون دلار پول نقد را خرج تبلیغات او کرد و به همین دلیل شناسایی اسرائیل از سوی ما با آن سرعت صورت گرفت، و از آنجا که نه جک و نه من هیچ کدام ضد یهود نبودیم (برعکس پدر او و پدر بزرگ خودم)، این قضیه را صرفاً یک داستان ساختگی در مورد ترومن و یک ارتش‌شاء بی‌سر و صدا در سیاست‌های آمریکا تلقی کردیم.

متأسفانه شناسایی عجولانه اسرائیل به عنوان یک دولت، منجر به ۴۵ سال اغتشاش خونین گردید و نابودی آنچه که همقطاران صهیونیست فکر می‌کردند یک دولت چند حزبی، وطن ساکنین بومی مسلمان، مسیحی و یهودی آن، وطن آینده مهاجرین مسالمت‌جوی یهودی اروپا و آمریکا خواهد شد و حتی وطن کسانی که اعتقاد داشتند خداوند سرزمین‌های یهودا و سامریا را برای همیشه به آنان بخشیده است، را به دنبال داشت. از آنجا که بسیاری از این مهاجرین در اروپا سوسیالیست‌های خوبی بودند، تصور می‌کردیم اجازه نخواهند داد این دولت جدید به یک تئوکراسی (حکومت خداسالار) تبدیل شود و فکر می‌کردیم که فلسطینیان بومی

1. John F. Kennedy

2. Harry S. Truman

خواهند توانست در شرایطی برابر با آنان در این سرزمین زندگی کنند. در حالی که قرار نبود این طور بشود. من بنا ندارم جنگها و خطرات آن منطقه شوربخت را بازگو کنم، اما می‌خواهم بگویم که تأسیس نسنجیده اسرائیل، زندگی سیاسی و فکری آمریکا - این حامی قابل اعتراض اسرائیل - را به زهر آمیخت.

قابل اعتراض از این جهت که هیچ اقلیت دیگری در تاریخ آمریکا تاکنون چنین پول فراوانی را از مالیات‌دهندگان آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در یک «سرزمین مادری» به جیب نزده بوده است. درست مثل این می‌ماند که مالیات‌دهندگان آمریکایی به خاطر پیروزی پاپ بر دولتهای طرفدارش مجبور به حمایت از او شوند، تنها به این دلیل که  $\frac{2}{3}$  از مردم ما مسیحی کاتولیک هستند. اگر چنین تلاشی صورت می‌گرفت حتماً بلوای عظیمی به پا می‌شد و کنگره مخالفت می‌کرد، اما اقلیتی به مراتب کمتر از ۲ درصد، ۷۰ سناتور ( $\frac{2}{3}$  لازم برای وتوی غیرمحمول رئیس جمهور) را با برخورداری از حمایت رسانه‌های گروهی خریده یا مرعوب ساخته‌اند.

در عالم احساس، من تا اندازه‌ای «لابی»<sup>۱</sup> اسرائیل را به خاطر روشی که برای سرازیر کردن سالانه میلیاردها دلار به جیب اسرائیل در پیش گرفته تا بدین وسیله خاکریزی در مقال کمونیزم بسازد، تحسین می‌کنم، اما در عمل، نه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نه کمونیزم، هیچ کدام حضور چندانی در منطقه نداشتند. نتیجه عمل آمریکا این بود که دنیای عرب را که زمانی روابط دوستانه‌ای با ما داشت، علیه‌مان برانگیخت. در این میان، انتشار اطلاعات دروغ در مورد آنچه که در

۱. لابی (Lobby) یک واژه انگلیسی است که به همین صورت در متون سیاسی فارسی به کار می‌رود، در لغت به معنای سالن انتظار روم در پارلمان و یا سالن رأی‌گیری است و در اصطلاح سیاسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که تلاش می‌کنند به نفع موضوع، گروه و یا گرایش خاصی قانونگذاران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهند. - مترجم.

خاورمیانه می‌گذرد حجم بیشتری یافت و قربانی اصلی این دروغهای شاخدار - که مالیات‌دهندگان آمریکایی در یک طرف آن قرار داشتند - جامعه یهود آمریکا بود، به‌خاطر آنکه مرتباً از سوی تروریستهای حرفه‌ای نظیر بگین و شامیر مورد تهدید قرار می‌گرفتند. بدتر از این، به‌جز چند مورد استثنای موجه، [انتشار این اطلاعات غلط]، موجب شد تا روشنفکران آمریکایی - یهودی، به‌خاطر مجموعه‌ای از پیوستگی‌های ابلهانه با راست مسیحی (یهود ستیز) و با مراکز صنعتی وابسته به پنتاگون دست از لیبرالیسم بردارند. در سال ۱۹۸۵ یکی از این روشنفکران به شوخی نوشت وقتی که یهودیان وارد آمریکا شدند، با نظرات و سیاستمداران لیبرالی برخورد کردند که با نگرشهای آنان بسیار همسو و نسبت به نگرانیهای یهود بسیار حساس بودند. اما در حال حاضر به نفع یهودیان است که با بنیادگرایان پروتستان متحد شوند، زیرا از همه اینها گذشته «آیا بین یهودیان نکته‌ای هست که آنان را متعصبانه و متظاهرانه به باورهای پیشینیانشان پیوند دهد؟» جناح چپ آمریکا در این نقطه انشعاب پیدا کرد و به تعدادی از ما که به متحدان یهودی آن زمان، به‌خاطر فرصت‌طلبی ناشی از گمراهی، انتقاد داشتیم، بی‌درنگ برچسب «یهود ستیز» یا «یهودی از خود بیزار» زده شد.

خوشبختانه، بیان یا منطق همیشه زنده و باقی است [تنها صداست که می‌ماند]، و این در همه جای اسرائیل مصداق دارد. اسرائیل شاهاک از اورشلیم هرگز نه فقط از تحلیل سیاستهای شوم امروز اسرائیل بلکه از تحلیل خود تلمود<sup>۱</sup> و تأثیر سنن روحانی یهود بر یک دولت کوچک که هدف جناح راست روحانی آن اختصاص یک تشوکراسی تنها به نفع یهودیان است، باز نمی‌ایستد. من سالهاست آثار شاهاک را می‌خوانم. او با نگاهی طعنه‌آمیز به دعواهایی می‌نگرد که معمولاً در هر دینی سعی در

۱. *Talmud* (مجموعه قوانین شرعی و عرفی یهود - مترجم)

عقلایی نشان دادن هر چیز غیرعقلایی دارند. او دارای دیدگان تیزبین یک محقق در برخورد با تناقضات متون است. آثار او که در مورد دکتر میمونیدس<sup>۱</sup>، دشمن درجه یک غیریهودیان، نوشته است واقعاً خواندنی است.

نیازی به گفتن نیست که مقامات اسرائیلی برای شاهاک ابراز دلسوزی می کردند. اما برای یک استاد بازنشسته شیمی، متولد ۱۹۳۳ در ورشو، که دوران کودکی اش را در بازداشتگاه زندانیان جنگی بلسن گذرانیده است، کار بیشتری هم نمی شد کرد. در سال ۱۹۴۵، شاهاک به اسرائیل آمد؛ در ارتش اسرائیل خدمت کرد؛ در سالهایی که خیلی هم مُد بود مارکسیست نشد. او یک انسان‌گرا<sup>۲</sup> بود - هنوز هم هست - که از امپریالیسم نفرت داشت خواه تحت نام خدای ابراهیم، خواه جرج بوش. او به همین میزان و با ظرافت زیاد با لکه ننگ استبداد یهود مخالفت می کند. شاهاک درست مثل توماس پین<sup>۳</sup>، دانشمند فاضل، چشم انداز آینده و همچنین تاریخ طولانی گذشته ما را در مقابل دیدگانمان می نشاند و براساس آن به استدلال خود در مورد حوادث تاریخ، سال به سال، ادامه می دهد. کسانی که در آثار او تعمق می کنند قطعاً عاقل ترند و اگر جرأت کنم می گویم بهتر است توجه کنند. او جدیدترین پیشگوی بزرگ - اگر نه آخرین آنها - است.

گور ویدال

1. Dr. Maimonides

2. Humanist

3. Thomas Paine

## فصل اول

### مدینه فاضله بسته؟

«من در اینجا آنچه را فکر می‌کنم حقیقت است می‌نویسم، زیرا داستانهای یونانیان بی‌شمار و از نظر من تمسخرآمیز است.»  
(Hecateus of Miletus، به نقل از هرودوت)  
«افلاطون یک دوست است، اما حقیقت دوست بزرگتری است.»  
تفسیر سنتی قطعه‌ای از اخلاق در ارسطو)  
«در یک دولت آزاد، هرکس می‌تواند آن‌طور که می‌خواهد بیندیشد و آنچه را که می‌اندیشد به زبان بیاورد.»

(اسپینوزا)

این کتاب اگرچه به زبان انگلیسی نوشته شده و خطاب به کسانی است که خارج از کشور اسرائیل زندگی می‌کنند اما، به روایتی، ادامه فعالیت‌های سیاسی من به عنوان یک یهودی اسرائیلی است. فعالیت‌هایی که در سال‌های ۱۹۶۵-۶ با یک اعتراض آغاز و به یک رسوایی عمده در آن زمان منجر گردید. یک روز متوجه شدم که یک یهودی بسیار مذهبی اجازه نداد تا در روز شنبه از تلفنش به منظور درخواست آمبولانس برای یک غیریهودی که در همسایگی او - اورشلیم - سگته کرده بود، استفاده شود. من به جای آنکه موضوع را به سادگی به مطبوعات گزارش کنم، طی ملاقات با

اعضای دادگاه شرع اورشلیم که متشکل از ربیهای<sup>۱</sup> منصوب دولت اسرائیل بودند، از آنان پرسیدم که آیا این رفتار با تفسیر آنان از دین یهود مطابقت دارد؟ پاسخ دادند که یهودی موردنظر درست و در واقع، وظیفه‌شناسانه رفتار کرده است و برای دفاع از این رأی خود مرا به یک پاراگراف از متن خلاصه و معتبر مجمع‌القوانین تلمود که در همین قرن نوشته شده، ارجاع دادند. من هم این حادثه را به روزنامه مهم عبری زبان، «هاآرتص» گزارش کردم. گزارشی که انتشارش موجب بروز رسوایی در رسانه‌های گروهی شد.

نتایج این رسوایی برای من نسبتاً منفی بود. تاکنون نه مقامات روحانی اسرائیل و نه روحانیون جوامع یهودی خارج از اسرائیل<sup>۲</sup>، هیچ کدام رأی خود را در این مورد که یک یهودی نباید قانون شنبه را به خاطر حفظ جان یک غیر یهودی زیر پا بگذارد، تغییر ندادند. مقدار زیادی هم مهملات مقدس مآبانه در این جهت که چنانچه تبعات چنین عملی، جان یهودیان را در معرض خطر قرار بدهد، زیر پا گذاشتن قانون شنبه مجاز شمرده خواهد شد، به آن افزودند. براساس اطلاعات و دانشی که در زمان جوانی‌ام کسب کرده بودم به مطالعه قانون تلمود حاکم بر روابط میان یهودیان و غیر یهودیان پرداختم، چه برایم محرز شده بود که بدون در نظر گرفتن تأثیر عمیق قوانین تلمود و دیدگاه جهانی ناظر بر وضع و بیان این قوانین، نمی‌توان از صهیونیسم من جمله بخش ظاهراً غیر مذهبی آن، و سیاستهای اسرائیل از آغاز تشکیل دولت این کشور، مخصوصاً سیاستهای حامیان یهودی اسرائیل در میان جوامع یهودی سراسر جهان، سر در آورد. سیاستهایی که اسرائیل عملاً بعد از جنگ شش روزه پیش گرفت و مخصوصاً منش تبعیض‌آمیز این رژیم در سرزمینهای اشغالی و

۱. Rabbi، ربی، خاخام، روحانی دین یهود.

نگرش اغلب یهودیان به مسأله حقوق فلسطینیها، حتی به صورت مجرد، به نوبه خود این الزام را تقویت کرده است.

من با گفتن اینها بنا ندارم ملاحظات سیاسی یا استراتژیکی را که ممکن است حکمرانان اسرائیل، تحت نفوذ و تأثیر آن باشند، ندیده بگیرم. بلکه می خواهم بگویم که سیاستهای واقعی اسرائیل حاصل تعامل و ارتباط بین ملاحظات واقع‌گرایانه (از نظر من اعم از صحیح یا غلط، اخلاقی یا غیراخلاقی) و تأثیرات ایدئولوژیک است. به نظر می‌رسد تأثیر عامل دوم بیشتر باشد، هرچند که کمتر مورد بحث قرار گرفته و زوایای تاریک آن کمتر روشن شده است. اصولاً هر یک از اشکال نژادپرستی، تبعیض و بیگانگی‌ستیزی چنانچه از سوی جامعه‌ای که تسلیم آنها شده است، مسلم فرض شود، قدرتمندتر و از نظر سیاسی مؤثرتر می‌شود. این پدیده مخصوصاً وقتی که بحث پیرامون آن رسماً یا براساس توافق، ممنوع باشد بیشتر مصداق دارد. وقتی که نژادپرستی، تبعیض و بیگانگی‌ستیزی در میان یهودیان شایع است و علیه غیر یهودیانی که با انگیزه‌های مذهبی تحریک شده‌اند، هدایت می‌شود، نتیجه مثل حالت عکس آن یعنی تقویت یهودستیزی از طریق تحریک انگیزه‌های مذهبی خواهد بود. به هر حال امروزه در حالی حالت دوم یعنی تقویت یهودستیزی مورد بحث قرار می‌گیرد که حضور واضح حالت اول - بیشتر در خارج از اسرائیل - کلاً ندیده گرفته شده است.

## تعریف دولت یهود

بدون بحث درباره رفتار و نگرش متداول یهودیان نسبت به غیر یهودیان حتی مفهوم اسرائیل به عنوان «یک دولت یهود» - آن گونه که اسرائیل رسماً خود را معرفی می‌کند - قابل درک نیست. این مفهوم غلط و رایج که اسرائیل حتی بدون در نظر گرفتن شیوه حکومتش در سرزمینهای

اشغالی، یک دموکراسی حقیقی است از نادیده گرفتن عمدی اهمیت اصطلاح «دولت یهود» برای غیر یهودیان، سرچشمه می‌گیرد. به نظر من، اسرائیل به عنوان یک دولت یهود نه تنها برای خود و ساکنینش مایه دردسر است بلکه برای تمام یهودیان و همه مردم و دولتهای دیگر در خاورمیانه و دورتر از آن نیز خطر دارد. علاوه بر این من متوجه هستم که دولتهای دیگر خاورمیانه یا موجودیتهایی که خود را «عرب» یا «مسلمان» می‌خوانند نیز درست به اندازه اسرائیل که خود را «یهود» می‌داند، خطرناک هستند، اما، این قدر که مرتباً در مورد این خطر صحبت می‌شود از خطری که در ذات خصوصیت یهودی دولت اسرائیل است، سخنی به میان نمی‌آید.

اصل اسرائیل به عنوان «یک دولت یهود»، از آغاز تأسیس، همواره برای سیاستمداران اسرائیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به زور، با استفاده از همه راههای موجود در ذهن یهودیان این کشور جای داده شده است. زمانی در اوایل دهه ۱۹۸۰ اقلیت معدودی از یهودیان پیدا شدند که با این مفهوم مخالف بودند، در سال ۱۹۸۵ یک قانون اساسی (یعنی قانونی که می‌تواند مواد قوانین دیگر را که لغو آنها جز با یک روش مخصوص امکان‌پذیر نیست، باطل کند.) از تصویب اکثریت قاطع اعضای کنست گذشت که به موجب آن هیچ حزبی که برنامه‌اش آشکارا با اصل «دولت یهود» مابینت داشته باشد و یا پیشنهاد تغییر این اصل را از طرق دموکراتیک مطرح کند اجازه شرکت در انتخابات کنست را ندارد. من خودم قاطعانه با این اصل اساسی مخالفم زیرا در صورت قبول آن، قانوناً نمی‌توانم در دولتی که شهروند آن محسوب می‌شوم، عضو حزبی باشم که اصول آن را قبول دارم و اجازه شرکت در انتخابات کنست را هم دارد. این نمونه کاملاً نشان می‌دهد که دولت اسرائیل به خاطر تحمیل



ایدئولوژی یهود علیه غیر یهودیان و یهودیانی که مخالف این ایدئولوژی هستند، یک دموکراسی نیست. خطری که این ایدئولوژی مسلط در بردارد محدود به مسائل داخلی نیست بلکه بر سیاست خارجی اسرائیل نیز تأثیر می‌گذارد. از آنجا که دو عامل فعال کنونی، یعنی افزایش شاخصه «یهودی بودن» دولت اسرائیل و نیز قدرت آن، به‌ویژه قدرت هسته‌ای این کشور مرتباً تقویت می‌شود، این خطر فزاینده است. عامل شوم دیگر، رشد نفوذ اسرائیل در ساختار سیاسی آمریکا است. بنابراین اطلاعات دقیق در مورد یهودیت و به‌ویژه رفتار اسرائیل با غیر یهودیان نه تنها در حال حاضر مهم بلکه از نظر سیاسی حیاتی نیز هست.

اجازه بدهید با تعریف رسمی اسرائیل از اصطلاح «یهودی» شروع کنم که نشان‌دهنده اختلاف فاحش اسرائیل به‌عنوان «یک دولت یهود» با اکثر دولتهای دیگر است. براساس این تعریف رسمی، اسرائیل منحصرأ «متعلق» به اشخاصی است که صرفنظر از محل زندگیشان، توسط مقامات اسرائیل به‌عنوان «یهودی» شناخته شوند، و لاغیر. به عبارت دیگر اسرائیل به شهروندان غیر یهودی آن‌که رسماً از نظر طبقه اجتماعی، شهروند درجه دو شناخته شده‌اند، تعلق ندارد، این عملاً بدین معناست که اگر اعضاء یک قبیله پروئی به آیین یهود درآیند و بر این اساس یهودی محسوب شوند، بلافاصله شهروند اسرائیل شناخته خواهند شد و تقریباً از ۷۰ درصد اراضی ساحل غربی (معادل ۹۲ درصد مساحت کل اسرائیل) که رسماً فقط به یهودیان اختصاص دارد، می‌توانند استفاده کنند. تمام غیر یهودیان (نه فقط فلسطینیها) از استفاده از اراضی ساحل غربی منع شده‌اند. (این ممنوعیت حتی شامل عربهای اسرائیلی که خدمت وظیفه خود را در ارتش اسرائیل گذرانده و به مدارج بالا رسیده‌اند نیز می‌گردد.) مورد پروئیهایی که به دین یهود گرویده بودند عملاً چند سال پیش اتفاق افتاد. این یهودیهای جدیدالخلق در اراضی

ساحل غربی نزدیک نابلوس<sup>۱</sup> در سرزمینی که سکونت غیر یهودیان در آنجا رسماً مستثنی شده بود، اسکان داده شدند. همه دولتهای اسرائیل حاضرند هر خطری از جمله خطر جنگ را بپذیرند تا اینکه این شهرکها که منحصرأ از کسانی که خود را «یهودی» می خوانند (و نه اسرائیلی آن گونه که اغلب رسانه های گروهی به دروغ ادعا می کنند) تشکیل شده است، صرفاً تحت سلطه «یهود» بماند.

تردید دارم که اگر مسیحیان پیشنهاد کنند آمریکا یا انگلیس به یک دولت مسیحی و متعلق به شهروندانی که رسماً مسیحی خوانده می شوند، تبدیل گردد، یهودیان این دو کشور آن را یک پیشنهاد ضد یهودی تلقی کنند. تبعات چنین فرضیه ای این است که یهودیان مسیحی شده به دلیل تغییر مذهب خود، تبدیل به شهروندان تمام عیار بشوند. لازم به یادآوری است که در تاریخ یهود، مزایای تغییر مذهب کاملاً شناخته شده است. زمانی که در کشورهای مسیحی و اسلامی علیه کلیه افرادی که پیرو مذهب حاکم نبودند از جمله یهودیان، تبعیض قایل می شدند، در مورد یهودیان این تبعیض بلافاصله با تغییر مذهب آنان از بین می رفت، اما دولت اسرائیل تبعیض علیه یک غیر یهودی را، حتی اگر یهودی هم بشود متوقف نمی کند. این به سادگی نشان می دهد که چگونه یک ویژگی انحصاری که از نظر اکثریت یهودیان سراسر جهان، یک عمل ضد یهودی است، از نظر کل یهودیان، ضد یهودی نیست. در میان یهودیان، مخالفت با هر دو طرف یعنی «یهودستیزی» و «تعصب در یهودیت»، «از خود بیزاری» خوانده می شود. مفهومی که من آن را «بی معنی» می دانم.

بر این اساس، معنای کلمه «یهودی» و واژه های هم ریشه آن از جمله «یهودیت» در سیاستهای اسرائیل، همان اهمیتی را دارد که معنای کلمه «اسلامی» وقتی رسماً توسط ایران به کار برده می شود و یا «کمونیست» زمانی که شوروی از آن استفاده می کرد. علی ایحال معنای کلمه «یهودی»

آن گونه که عموماً به کار رفته است چندان روشن نیست، چه در زبان عبری و چه ترجمه آن به هر زبان دیگر و بنابراین، این واژه باید به طور رسمی ترجمه شود.

طبق قوانین اسرائیل، یهودی کسی است که مادر، مادربزرگ، مادر مادربزرگ و جد مادری او پیرو آیین یهود باشند و یا اینکه به روش مورد قبول مقامات اسرائیل، به یهودیت گرویده باشد، به شرطی که از دین یهود به آیین دیگری که موجب شود اسرائیل دیگر او را یهودی نداند، درنیامده باشد. در میان سه شرطی که تعیین می‌کند «چه کسی یهودی است» اولین شرط، تعریف قانون تلمود از «یهودی» است که مورد قبول ارتدکس‌های یهودی است. تلمود و قوانین شرع یهود بعد از تلمود نیز تغییر مذهب یک غیر یهودی به یهودیت (همچنین خرید یک برده غیر یهودی توسط یک یهودی که با شیوه متفاوتی تغییر مذهب داده باشد) را به عنوان یک روش یهودی شدن به رسمیت می‌شناسند. مشروط بر اینکه این تغییر مذهب توسط ربی‌های مجاز و به روشی صحیح انجام شده باشد. این «شیوه صحیح» در مورد زنان، مستلزم معاینه آنان در حالت عریان در هنگام غسل ماهانه توسط سه ربی است. مراسمی که از فرط زشتی زبانزد خوانندگان مطبوعات عبری است و به همین دلیل در رسانه‌های انگلیسی زبان علیرغم علاقه زیاد تعدادی از خوانندگان آنها معمولاً درج نمی‌شود. امیدوارم این کتاب آغازگر جریانی باشد که منجر به رفع این مسائل اختلاف‌انگیز شود.

۱۷- در عین حال ضرورت فوری دیگری نیز برای ارائه یک تعریف رسمی از اینکه «چه کسی یهودی است و چه کسی یهودی نیست» وجود دارد. دولت اسرائیل رسماً در اغلب شوون زندگی به نفع یهودیان و به ضرر غیر یهودیان قایل به تبعیض می‌شود و من سه مورد از مهم‌ترین موارد این تبعیضها را ذکر می‌کنم: حق اقامت، حق کار، حق برابری در قبال قانون. تبعیض در اقامت مبتنی بر این واقعیت است که حدود ۹۲ درصد از

سرزمین اسرائیل متعلق به دولت است و توسط هیأت زمین اسرائیل<sup>۱</sup> براساس مقررات وضع شده از سوی «صندوق ملی یهود»<sup>۲</sup> وابسته به «سازمان صهیونیست جهانی»<sup>۳</sup> اداره می‌شود. صندوق ملی یهود، حق اقامت، حق اقدام به هر نوع تجارت و غالباً حق کار را برای غیر یهودیان صرفاً به خاطر آنکه یهودی نیستند، به رسمیت نمی‌شناسد. در صورتی که یهودیان مجاز به اقامت، تجارت و کار در هر نقطه اسرائیل می‌باشند. اگر چنین عمل تبعیض آمیزی علیه یهودیان در کشورهای دیگر انجام شود بی‌درنگ و با توجیه مخصوص به خود برچسب «یهودستیزی» خورده و بی‌تردید موجب بروز اعتراضات عمومی وسیع می‌گردد. همین تبعیض اگر در اسرائیل اعمال گردد، معمولاً به عنوان بخشی از «ایدئولوژی یهود» به راحتی نادیده گرفته شده و یا چنانچه ندرتاً در جایی ذکر شود با یک عذرخواهی رفع و رجوع می‌گردد.

نپذیرفتن حق کار به معنای این است که غیر یهودیان در سرزمین‌های تحت مسؤلیت هیأت زمین اسرائیل، برابر مقررات صندوق ملی یهود، رسماً حق کار کردن ندارند. بدون شک این مقررات همیشه یا، غالباً به اجرا در نمی‌آیند اما به هر حال وجود دارند. هرازگاهی اسرائیل از طریق مقامات دولتی خود دست به تلاشهای تبلیغاتی می‌زند مثلاً وقتی که وزارت کشاورزی با جمع‌آوری میوه باغهای متعلق به یهودیان واقع در سرزمین ملی (یعنی سرزمینی که متعلق به دولت اسرائیل است) توسط کارگران عرب، حتی اگر این کارگران شهروند اسرائیل باشند، مخالفت می‌کند. اسرائیل همچنین یهودیان ساکن «سرزمین ملی» را از اینکه بخشی از زمین خود را حتی برای مدتی کوتاه به اعراب اجاره دهند نیز اکیداً منع کرده و متخلفین را با جریمه‌های سنگین مجازات می‌کند، در حالی که برای غیر یهودیان مانعی ندارد که زمین خود را به یهودیان اجاره

1. Israel Land Authority

2. Jewish National Fund (J.N.F)

3. World Zionist Organization

بدهند. در مورد خودم، این بدان معناست که من صرفاً به خاطر یهودی بودنم حق دارم یک باغ میوه را برای برداشت محصول آن از یک یهودی دیگر اجاره کنم اما یک غیر یهودی اعم از اینکه شهروند اسرائیل باشد یا یک بیگانه مقیم، چنین حقی ندارد.

شهروندان غیر یهودی اسرائیل در برابر قانون با دیگران یکسان نیستند. این تبعیض در بسیاری از قوانین اسرائیل که در آنها اصطلاحات «یهودی» و «غیر یهودی» معمولاً به صورت واضح بیان نشده است، احتمالاً به دلیل پرهیز از تداخل معنا، مثل قوانین خشک مربوط به مراجعت یهودیان، به چشم می خورد. بر طبق آن قانون، فقط اشخاصی که رسماً «یهودی» شناخته می شوند حق دارند به طور اتوماتیک وارد اسرائیل شده و در آن ساکن شوند. این عده به راحتی «گواهینامه مهاجرت» دریافت می کنند. این گواهینامه حق شهروندی اسرائیل را در همان بدو ورود، به صرف مراجعت به وطن مادری به همراه حق برخورداری از مزایای مالی متعدد به آنان اعطا می کند که تا حدی با قوانین کشورشان متفاوت است. یهودیانی که از ایالت‌های شوروی سابق به اسرائیل مهاجرت کنند، مبلغی بیش از بیست هزار دلار به ازای هر خانواده به عنوان «حق جذب» دریافت می نمایند. کلیه یهودیهایی که به اسرائیل مهاجرت کنند، طبق این قانون، بلافاصله از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در کنست برخوردار می شوند، حتی اگر یک کلمه هم زبان عبری ندانند.

سایر قوانین اسرائیل، تعبیرات معتدل تری نظیر «کسانی که می توانند مطابق قانون مراجعت، مهاجرت نمایند» و «کسانی که حق ندارند مطابق قانون مراجعت، مهاجرت کنند» را جایگزین کرده اند. بسته به قانون مورد نظر، در آن زمان برخورداری از مزایای مالی مشمول گروه اول گردید و طبعاً از گروه دوم سلب شد. ابزار معمول تبعیض در هر زمان، کارت شناسایی افراد است که باید در همه اوقات همراهشان باشد. در کارتهای شناسایی، ملیت فرد نوشته شده است که می تواند «یهودی»،

«عرب»، «دروزی» و نظایر آن باشد. قید کلمه «اسرائیلی» از این قاعده مستثنی است. تلاش آن عده از اسرائیلی‌هایی که می‌خواستند وزیر کشور را وادار کنند تا به آنها اجازه دهد در کارت شناسایی‌شان کلمه «اسرائیلی» یا حتی «یهودی - اسرائیلی» را قید کنند، با شکست مواجه شده است. کسانی که سعی کرده بودند این کار را بکنند از وزارت کشور نامه‌ای دریافت کرده‌اند که در آن نوشته شده است: «تصمیم گرفته شده که اسرائیلی شناخته نشود.» در این نامه مشخص نشده که این تصمیم را چه کسانی و یا چه وقت اتخاذ کرده‌اند.

در اسرائیل قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز متعددی به نفع گروه اول (اشخاص که می‌توانند بر اساس قانون مراجعت، مهاجرت نمایند) وجود دارد، که محتاج بررسی جداگانه‌ای است. در اینجا می‌توانیم به یک نمونه توجه کنیم که گرچه در مقایسه با محدودیت‌های افراد مقیم ظاهراً ناچیز است، ولی با این حال از این نظر که مقاصد قانونگذار اسرائیلی را آشکار می‌کند، مهم است. شهروندان اسرائیلی که موقتاً اسرائیل را ترک کرده‌اند اما جزو گروهی هستند که «می‌توانند بر اساس قانون مراجعت، مهاجرت نمایند»، در بازگشت خود به کشور، مشمول مزایای گمرکی سخاوتمندانه، دریافت سوبسید برای آموزش دوران دبیرستان فرزندان‌شان، و حتی دریافت امتیاز یا وام با شرایط آسان جهت خرید یک آپارتمان در کنار مزایای دیگر می‌شوند. به شهروندانی که جزو این گروه نیستند، یعنی شهروندان غیر یهودی اسرائیل، هیچ کدام از این مزایا تعلق نمی‌گیرد. هدف آشکار از چنین اقدامات تبعیض‌آمیزی، پایین آوردن تعداد شهروندان غیر یهودی به منظور «یهودی‌تر» کردن اسرائیل است.

### ایدئولوژی سرزمین «بازخرید شده»

اسرائیل در میان شهروندان یهودی خود ایدئولوژی انحصارگرایی سرزمین بازخرید شده را نیز تبلیغ می‌کند. هدف رسمی اسرائیل از کم